

فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان / سال پنجم / شماره چهاردهم / تابستان ۱۳۹۳ / صفحات ۱۲۲-۱۰۳

بررسی اعتماد اجتماعی و رابطه بین ابعاد آن در بین جوانان تهرانی*

هوشنگ ظهیری^۱

ناصر پوررضا کریم سرا^۲

چکیده

اعتماد اجتماعی از جمله شاخص‌های سرمایه اجتماعی است که کاهش یا افزایش آن می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر ساختارهای جامعه و روابط اجتماعی آن داشته باشد. به همین دلیل، در دهه‌های اخیر این موضوع نظر بسیاری از نظریه‌پردازان مطرح علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این سؤال است که میزان اعتماد اجتماعی در بین جوانان تهرانی در چه سطحی قرار داشته و رابطه بین ابعاد اعتماد اجتماعی چگونه است؟ بدین منظور پس از مرور دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی، چارچوب مفهومی تلفیقی تنظیم و در قالب آن فرضیات اصلی مطرح و مورد آزمون قرار گرفتند. حجم نمونه‌ی ۴۰۲ نفر بوده که با توجه به شاخص توسعه یافتگی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران از میان جوانان بالای ۱۵ سال مناطق سه (بالا)، هشت (متوسط) و هفده (پایین) شهر تهران با نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله انتخاب شده است. تحقیق از نوع پیمایشی بوده و برای بررسی فرضیات از آزمون پیرسون و بررسی رابطه بین متغیرها از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد بین ابعاد اعتماد اجتماعی با یکدیگر رابطه معناداری وجود دارد و شدت این رابطه در حد بالایی می‌باشد.

کلید واژه: اعتماد اجتماعی، اعتماد بنیادی، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۴/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۰

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. naser.poorreza@gmail.com

۱- مقدمه

اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. یکی از اصول اولیه زندگی اجتماعی داشتن اعتماد به یکدیگر است. اگر افراد جامعه، به یکدیگر اعتماد نداشته باشند تداوم زندگی دشوار خواهد بود. چرخ‌های زندگی بر محور اعتماد به یکدیگر در حال حرکت است. اهمیت اعتماد در روابط و پیوندهای اجتماعی به‌گونه‌ای است که می‌توان اعتماد را یکی از عناصر اساسی زندگی اجتماعی تلقی نمود که زمینه تعامل و همیاری را در ابعاد مختلف جامعه گسترش می‌دهد. با گسترش اعتماد در جامعه، افراد بدون نیاز به کنترل رسمی و بر پایه اعتماد متقابل به یکدیگر، بر روابط خود نظارت می‌کنند و امور خود را اداره می‌نمایند و تنها در چنین صورتی افراد احساس امنیت کرده و نظم و ثبات حاکم می‌گردد. در فضای مبتنی بر اعتماد ابزارهایی چون زور و کنترل رسمی ضرورت خود را از دست داده و افراد بر پایه اعتماد در روابط اجتماعی به مبادله می‌پردازند. از این رو اعتماد را می‌توان مهم‌ترین مؤلفه نظم اجتماعی قلمداد کرد، به همین جهت آیزنشتات به درستی متذکر می‌شود که مهمترین مسأله نظم اجتماعی برای بنیانگذاران جامعه‌شناسی اعتماد و همبستگی اجتماعی است. یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی غیر ممکن است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). احیاء اصل اعتماد در روابط بین جوانان و نهادهای مختلف سیاسی، اداری، اقتصادی و قضایی نیز خود از یک سو موجب حمایت معنوی از فرد و از سوی دیگر موجب قاعده‌مندی و انتظام اجتماعی است که در مجموع، پیش شرط‌های لازم برای امنیت اجتماعی محسوب می‌شوند.

در گذشته اعتماد به عنوان موضوعی شخصی مطرح بوده امروزه با توسعه روابط و تعاملات بین شخصی و نیز ارتباط با دنیای پیرامون، اعتماد ویژگی بین شخصی و ترکیبی از زمینه‌های اجتماعی و فردی پیدا کرده است. با گسترش مدرنیته نوع تعامل با محیط پیرامون که هیچ شناختی از آن نداریم مانند حرکت در تاریکی بوده و با چالش‌هایی مواجه می‌شود که تنها راهبرد ضروری برای فایق آمدن بر این مشکلات اعتماد می‌باشد.

اعتماد اجتماعی عاملی مهم در جهت حرکت چرخ‌های توسعه جوامع می‌باشد. زیرا که اعتماد پذیری روحیه مشارکت را میان افراد جامعه افزایش می‌دهد. بر همین اساس اعتماد را در تعاملات اجتماعی به عنوان نوعی «گریس اجتماعی» عمل می‌کند که لبه تیز تضادها و کشمکش‌های اجتماعی را نرم‌تر می‌کند و امکان مشارکت و همکاری را فراهم می‌آورد؛ مشارکتی که در نهایت، خود منجر به افزایش اعتماد اجتماعی هم می‌شود.

۲- طرح مسأله

در سایه اعتماد تعاملات اجتماعی ایجاد می‌شود و شهروندان به محیط پیرامون خود احساس تعلق پیدا می‌کنند. اعتماد اجتماعی پیش شرط همکاری و مشارکت اجتماعی شهروندان به شمار می‌رود؛ به میزانی که اعتماد اجتماعی کاهش می‌یابد، همکاری و مشارکت شهروندان با دیگران و همچنین مشارکت اجتماعی آنها نیز تقلیل پیدا می‌کند. هر دو متغیر مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی نه فقط از ویژگی‌های توسعه اجتماعی در جوامع محسوب می‌شود، بلکه با متغیرهای دیگر توسعه اجتماعی در تعامل است و زمینه را برای رشد اقتصادی و مشارکت فعالانه میان شهروندان مهیا می‌سازد و در نهایت زمینه‌ساز گسترش نهادهای مدنی می‌شود. از سوی دیگر زمینه بسط عام‌گرایی را فراهم می‌سازد و بر عکس ضعف تمایلات میان‌گروهی به عدم حس اعتماد عمومی و گسترش خاص‌گرایی می‌انجامد و پیامدهای زیانباری همچون: کاهش مشارکت اجتماعی و تمایل به امور خیریه، افزایش انحرافات و اعتیاد و فروپاشی خانواده و شکاف بین نسلی را در پی خواهد داشت که بررسی اهمیت و میزان تأثیرگذاری هر یک از این متغیرها خود به تحقیق مفصل اجتماعی نیازمند است.

بر اساس تئوری‌گیدنز اعتماد بنیادی بر روی اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی و همچنین اعتماد بین شخصی بر اعتماد نهادی تأثیر می‌گذارد. به بیان دیگر در نظریات گیدنز اعتماد بنیادی بیرونی‌ترین متغیر بوده که در دوران کودکی و تحت تأثیر اولین مراقبان شکل گرفته است و در قالب اعتماد بین شخصی گسترش یافته و در نهایت بر اعتماد نهادی تأثیر می‌گذارد.

به طور خلاصه مسأله این تحقیق عبارت است از اینکه آیا اعتماد نهادی جوانان همانند تئوری گیدنز متأثر از اعتماد بین شخصی و اعتماد بنیادی است. اینکه اعتماد اجتماعی جوانان در سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد بنیادی و اعتماد به نهادها چگونه است. با چنین رویکردی هدف این مقاله نیز شناخت اعتماد اجتماعی جوانان در سه بعد اعتماد بین شخصی، اعتماد بنیادی و با تأکید بر اعتماد به نهادی می‌باشد.

۳- پیشینه تحقیق

از مشهورترین تحقیقات در حوزه اعتماد می‌توان به تحقیق اینگلهارت اشاره کرد. وی اعتماد متقابل را بخشی از نشانگان فرهنگی پایداری می‌داند که به بقای دموکراسی منجر می‌گردد. از نظر وی اعتماد یک پدیده فرهنگی است که تجارب تاریخی مردم به آن شکل می‌دهد. بنابراین در معرض تغییر قرار دارد از زمینه‌یابی‌های به عمل آمده در مورد فرهنگ مدنی چنین استنباط می‌شود که مردم کشورهایی که دارای سنت دیرپای دموکراسی هستند، از میزان اعتماد متقابل بیشتری برخوردارند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۳-۳۶).

در حوزه تحقیقات داخلی امیر کافی (۱۳۷۴) در تحقیقی تحت عنوان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن به این یافته دست می‌یابد که یکی از عوامل اصلی ایجاد اعتماد اجتماعی تعاملات اظهاری است. وی توصیه می‌کند که باید زمینه‌هایی که شبکه ارتباطی بین مردم (سرمایه اجتماعی) را گسترده می‌سازد، افزایش یابد و بدین ترتیب بده و بستان‌های عاطفی میان افراد و سایر اعضای جامعه صورت گیرد. همچنین یافته‌های وی احساس تعلق اجتماعی را بر روی اعتماد اجتماعی مؤثر می‌داند.

در تحقیقی دیگر توسط عنایت و همکارانش (۱۳۹۱) با هدف بررسی رابطه اعتماد اجتماعی (تعمیم یافته و نهادی) با احساس امنیت اجتماعی جوانان ۱۵-۲۹ ساله‌ی ساکن شهرهای شیراز و یاسوج انجام گردید. نتایج آنالیز کوواریانس نشان داد احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان بیشتر تحت تأثیر اعتماد قرار دارد تا محل سکونت آنان. همچنین، اعتماد اجتماعی تعمیم یافته و نهادی، هر دو، موجب افزایش احساس امنیت اجتماعی می‌شوند؛ اما تأثیر اعتماد نهادی بر افزایش احساس امنیت سیاسی و قضایی چندین برابر تأثیر اعتماد تعمیم یافته است. نهایتاً این که میزان احساس امنیت عمومی و اقتصادی به همان اندازه اعتماد نهادی، تحت تأثیر اعتماد تعمیم یافته قرار دارد.

حیدرآبادی (۱۳۸۹) در تحقیقی که با هدف بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان اعتماد اجتماعی جوانان در استان مازندران انجام داده است، به این یافته دست یافت که میزان تحصیلات و طبقه اجتماعی رابطه منفی و معکوسی با میزان اعتماد اجتماعی داشته است. ارتباطات انسانی، جامعه‌پذیری خانوادگی و اعتقادات دینی با اعتماد اجتماعی رابطه مثبت و مستقیمی داشته است. مجموع این متغیرها ۴۳/۲ درصد تغییرات میزان اعتماد اجتماعی را تبیین می‌کنند. متغیرهای ارتباطات انسانی و جامعه‌پذیری خانوادگی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر اعتماد اجتماعی جوانان دارند. نتایج نشانگر آن است که میزان اعتماد بنیادین در بین جوانان بیشتر و بالاتر از سایر گونه‌های اعتماد (اعتماد تعمیم یافته و انتزاعی) است. همچنین اعتماد درون گروهی در جامعه بیشتر از اعتماد برون گروهی می‌باشد.

۴- چارچوب نظری

اعتماد از ابعاد گوناگون مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی قرار گرفته و هر یک از دیدگاه خود به بررسی آن پرداخته‌اند. چارچوب نظری این مقاله مبتنی بر درک گیدنز از اعتماد می‌باشد، اما قبل از طرح نظریات گیدنز، به طور گذرا به مهمترین نظریه‌ها در خصوص اعتماد اشاره می‌شود.

به نظر زیمل یکی از مهم‌ترین شرایط مبادله اعتماد است، بدون اعتماد عمومی افراد نسبت به یکدیگر، جامعه تجزیه می‌گردد. بنابراین اعتماد یکی از مهمترین نیروهای ترکیبی درون جامعه است. زیمل بر این باور است، بدون احترام، حق‌شناسی یا وفاداری جامعه به سادگی نمی‌تواند وجود داشته باشد. عنصری که آن را زنده نگه می‌دارند، منافع شخصی اعضاء، زورگویی، آرمان‌گرایی و عقیده اگر توسط وفاداری تکمیل نگردد، نمی‌توانند، جامعه را از تجزیه شدن مصون نگه دارند (باربارا، ۱۹۹۶: ۶۳).

فوکویاما، با نوعی رویکرد اقتصادی به مسأله اعتماد می‌پردازد و معتقد است که تمام تلاش‌های اقتصادی اعم از اداره کردن یک مغازه کوچک تا ایجاد یک شرکت عظیم کامپیوتری نه به وسیله افراد، بلکه به وسیله تشکیلاتی صورت می‌گیرد که لازمه آن وجود میزان زیادی از همکاری‌های اجتماعی است. به نظر اقتصاددانان، توانایی سازمان‌دهی تشکیلات اقتصادی نه تنها بر نهادهایی چون حقوق تجاری، قرار دارد، بلکه مستلزم مجموعه قوانین و اصول اخلاقی نانوشته‌ای است که اساس اعتماد اجتماعی را تشکیل می‌دهد. وجود اعتماد در بین اعضای یک تشکیلات اقتصادی به میزان زیادی می‌تواند هزینه آن را کاهش و کارایی و موفقیت آن را افزایش دهد. به اعتقاد فوکویاما هر چه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بالاتری باشد، سرمایه اجتماعی بیش‌تری نیز خواهد داشت. شعاع اعتماد در فرهنگ‌های مختلف به گونه‌های متفاوتی مشاهده می‌شود. به طور مثال در فرهنگ مردم چین و بیش‌تر ساکنان آمریکای لاتین، سرمایه اجتماعی زیادی در بین خانواده‌ها و گروه‌های دوستانه شخصی وجود دارد. اما این گروه‌ها به شدت دارای اعتماد کمی نسبت به افراد خارج گروه خود هستند. برای این گروه‌ها اعتماد به افراد خارج گروه بسیار مشکل و حتی غیرممکن است. در چنین فرهنگ‌هایی هر کسی خود را فقط متعلق به یک خانواده و یا گروه می‌داند. بنابراین در این فرهنگ‌ها، شرکت‌ها عمدتاً ماهیت خانوادگی داشته و به ندرت از محدوده اولیه خود بزرگ‌تر می‌شوند. این امر باعث می‌شود که فعالیت این شرکت‌ها محدود شده و به احتمال زیاد عمر آنها نیز کوتاه گردد و در نسل‌های بعدی این خانواده‌ها، از بین بروند. نقش اصلی در اقتصاد این کشورها به عهده سرمایه اجتماعی و شعاع اعتماد موجود در روابط تجاری و تبادلات بین شبکه‌های اعتماد خانوادگی است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۷۱-۷۰).

کلمن به بحث کلی اعتماد و همچنین رابطه امین و اعتماد کننده پرداخته است. آنچه از نظر وی در این رابطه نقش مهمی ایفا می‌کند، اطلاعات درست است. آگاهی افراد از سود و زیان اعتماد خیلی به تصمیم‌گیری آنان کمک می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۶۰). کلمن معتقد است وضعیت مشتری باعث به وجود آمدن نظام اعتماد متقابل می‌شود که از بعضی جهات تعمیم روابط متقابل است این وضعیت هنگامی به وجود می‌آید که تعدادی کنشگر همه به فعالیتی اشتغال دارند که در نتیجه حاصل از آن همگی نفع مشابهی دارند و بعلاوه هر یک در قربانی نکردن منافع دیگری در پرداختن به فعالیت‌های مورد علاقه مشترک نفعی

دارد. این ساختار اجتماعی، تعمیم نظام دو کنشگری اعتماد متقابل است. اما شامل تعداد بیشتری کنشگر است (همان: ۲۸۸).

مارتین دوئیچ در زمینه اعتماد بر مبادله بین افراد تأکید دارد. این نظریه به نظریه بازی مجموع غیرصفر مشهور است؛ یعنی در رابطه مبتنی بر اعتماد، سود یک طرف مساوی با زیان دیگری نیست و همه بازیگران می‌توانند سود ببرند و یا همه آنها زیان ببینند. در این بازی، سود و زیان دوطرف تابعی از انتخاب‌های خود و دیگری است. اما از سویی، در این رابطه امکانی برای رفتار عقلانی افراد وجود ندارد؛ مگر اینکه بتوانند به یکدیگر اعتماد کنند. دوئیچ رفتار اعتماد کردن را کنش‌هایی توصیف می‌کند که آسیب‌پذیری شخص (اعتمادکننده) را نسبت به دیگری (اعتمادشونده) که رفتارش در وضعیت ویژه‌ای تحت کنترل فرد نیست، افزایش می‌دهد. وضعیتی که در آن زیان اعتمادکننده، در صورت سوءاستفاده دیگری (اعتمادشونده) بیشتر از منفعتی است که شخص (در صورت عدم سوءاستفاده) دریافت خواهد کرد (زاهدی و اجاقلو، ۱۳۸۴: ۹۸).

گیدنز اعتماد را صورتی از ایمان^۱ می‌شمارد که در آن، اطمینان^۲ به پیامدهای احتمالی پایبندی به چیزی متفاوت از صرف فهم شناختی را بیان می‌کند. اعتماد به معنای جهش در فضای تعهد است یا حتی به معنای نوع کیفیت ایمان کاستی ناپذیر که به طرز خاص با غیبت در زمان و مکان پیوندهای جانانه دارد (گیدنز ب، ۱۳۷۸: ۳۸).

حال چنانچه فرد رویدادهای محیط پیرامونی را عاقلانه و نه اتفاق تشخیص دهد، ناچار به احتیاط و دقت بیش از حد مرسوم در امور زندگی روزمره می‌شود که به سوء ظن دائمی و تشنج فضای ذهنی و فکری او می‌انجامد. وی می‌گوید، در جوامع مدرن ما با بیگانگان به عنوان اشخاص به معنای کامل آن اساساً هم کنش نداریم. به ویژه در بسیاری از محیط‌های شهری ما به گونه‌ای کم و بیش دائمی با دیگران هم کنش داریم که یا خوب نمی‌شناسیم‌شان و یا قبلاً هرگز آنها را ندیده‌ایم (گیدنز، ۱۳۸۸: ۹۸-۹۶). گیدنز می‌گوید: تحکیم اعتماد شرط باز شناخت هویت روشن اشیاء و اشخاص است. اگر اعتماد بنیادی پرورش نیافته و یا دو پهلویی ذاتی آن تخفیف نیافته باشد، نتیجه‌اش اضطراب وجود دائمی است (گیدنز الف، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

از نظر وی می‌توان اعتماد بنیادین را به احساس امنیت وجودی که حالتی درونی در فقدان اضطراب است مرتبط نمود. به عقیده گیدنز، بر اثر توسعه نظام‌های انتزاعی، اعتماد به اصول غیرشخصی و نیز اعتماد

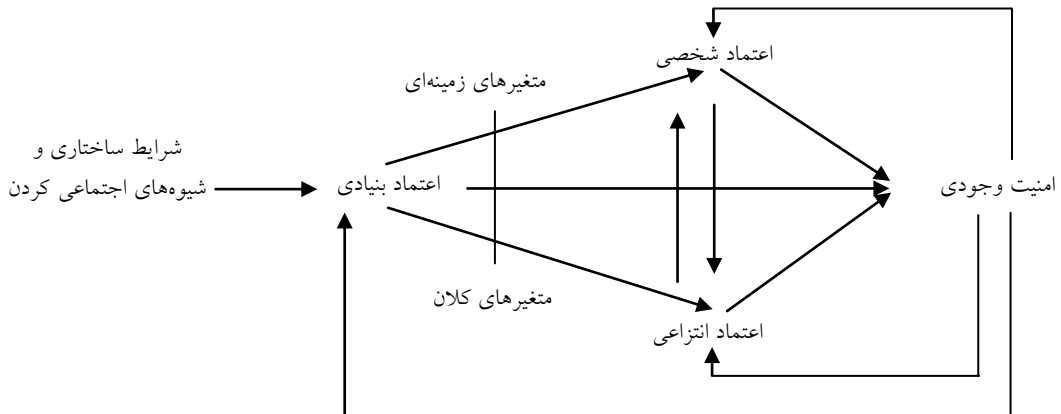
1 - Faith

2 - Confidence

به دیگران ناشناس، برای زندگی اجتماعی گریز ناپذیر می‌شود. این نوع اعتماد غیرشخصی با اعتماد بنیادی تفاوت دارد. در اینجا نیز نیاز روانی نیرومندی به یافتن دیگران قابل اعتماد وجود دارد، ولی به نسبت موقعیت‌های اجتماعی پیش از مدرن، پیوندهای شخصی نهادمند چندان وجود ندارند. در اینجا قضیه در اصل این نیست که بسیاری از ویژگی‌های اجتماعی که پیش از این دوره بخشی از زندگی روزانه یا «جهان حیاتی» را می‌ساختند، از رده خارج شده و در نظام‌های انتزاعی عجین گشته‌اند. بلکه بر عکس بافت و صورت زندگی روزانه به همراه دگرگونی‌های اجتماع گسترده‌تر، شکل تازه‌ای پیدا کرده‌اند (گیدنز الف، ۱۳۸۸: ۱۴۳). در عین حال وجه عمده اعتماد پای‌بندی‌های بی‌چهره‌ای است که عمدتاً در نظام‌های تخصصی معنا می‌یابد و این مسأله اساساً چندان از اهمیت برخوردار است که ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً وابسته به مکانسیم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به ویژه نظام‌های تخصصی است (همان: ۹۹). به نظر وی نظام‌های کارشناسی نیز زمان و مکان را در پرانتز می‌گذارند، ولی از طریق گستردن بعضی روش‌های اطلاعات فنی که اعتبار آنها مستقل از عاملان یا مشتریانی است که آنها را به کار می‌بندند در جامعه‌های مدرن این گونه نظام‌ها عملاً به تمام وجوه زندگی اجتماعی راه می‌یابند. نظام‌های تخصصی منحصر به حوزه‌های کارشناسی فنی نیستند، بلکه به حوزه روابط اجتماعی و حتی به خصوصی‌ترین گوشه‌های ذهن و فکر ما نیز راه می‌یابند. پزشک، مشاور و آسیب‌شناس در نظام‌های تخصصی عصر تجدد به همان اندازه دانشمند تکنسین یا مهندس اهمیت دارند (گیدنز، ۱۳۸۸: ۳۸). به نظر گیدنز جدایی فرد از نظام‌های تخصصی، جز در دوره‌هایی صرفاً کوتاه مدت و نامنظم امکان‌ناپذیر است، حتی در صورت جدایی موقت، بسیاری از جنبه‌های «فضای دانش و اطلاعات رسمی» و همچنین بسیاری از عناصر تشکیل دهنده زندگی روزمره تحت تأثیر همین نظام‌ها شکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۸: ۴۴).

گیدنز می‌پندارد اعتماد تنها به روابط میان افراد عادی و متخصصان ارتباط ندارد، بلکه به فعالیت‌های کسانی نیز وابسته‌اند که «درون» نظام‌های انتزاعی جای دارند (گیدنز الف، ۱۳۸۸: ۱۰۳). به نظر وی نقاط دسترسی همان نقاط پیوند افراد یا جمع‌های غیرمتخصص با نمایندگان نظام‌های انتزاعی‌اند، نقاط دسترسی هر چند که نقاط آسیب‌پذیری نظام‌های انتزاعی را نشان می‌دهند اما در ضمن، همان پیوند گاه‌هایی‌اند که در آنجا اعتماد را می‌توان حفظ یا بنا کرد (گیدنز الف، ۱۳۸۸: ۱۰۵). به صورتی کلی می‌توان چارچوب نظری گیدنز را به صورت نمودار زیر تصویر نمود:

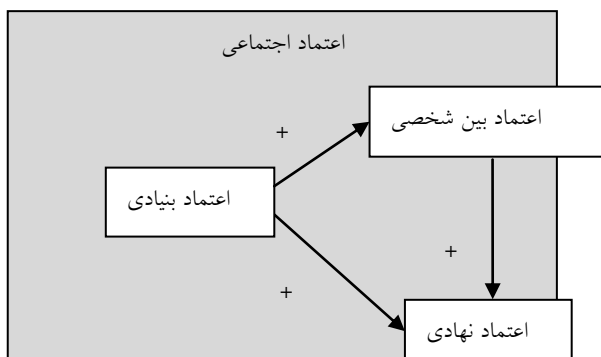
نمودار چارچوب کلی نظریات گیدنز در باب اعتماد



این مدل گویای آن است که اعتماد بنیادی که خود از شیوه‌های اجتماعی کردن و تربیت دوران کودکی فرد نشأت می‌گیرد. بر اعتماد شخصی و اعتماد انتزاعی تأثیرگذار است. هر یک از وجوه سه گانه اعتماد با امنیت وجودی ارتباطی مستقیم دارد. به عبارت دیگر افزایش اعتماد سبب افزایش امنیت وجودی می‌گردد و احساس ناامنی وجودی مرتبط با فقدان اعتماد به صورت سه گانه خود می‌باشد و البته تداوم احساس امنیت به افزایش هر یک از وجوه اعتماد می‌انجامد. همچنین شرایط پیشین و تأثیر موقعیت‌های تاریخی که در شیوه‌های اجتماعی کردن و نیز چگونگی شکل‌گیری نهاد‌های فعلی متجلی هستند، در اعتماد مؤثر واقع می‌شوند. ابعاد اعتماد البته تحت تأثیر متغیرهای زمینه‌ای (نظیر ویژگی‌های فردی، پایگاه اقتصادی، اجتماعی، نسل و...) و متغیرهای سطح کلان که با ابعاد مدرنیت جامعه در ارتباطند، قرار دارند.

۵- مدل تحقیق

این مطالعه به دنبال آن است که اعتماد اجتماعی جوانان را در سه بعد اعتماد بین‌شخصی جوانان با گروه جوانان - که در نتیجه تعامل ما با دیگران شکل می‌گیرد و اعتماد بنیادی که نشان از نگاه ما به دنیای پیرامون دارد - جامعه‌پذیری و تعامل جوانان با نظام ارزشی - و نوع سوم اعتماد که حالت انتزاعی تری دارد و معطوف به اعتماد ما به نهادها است، مورد بررسی قرار دهد.



۶- فرضیه های تحقیق

- به نظر می رسد بین میزان اعتماد بین شخصی با اعتماد نهادی رابطه معنی داری وجود دارد.
- به نظر می رسد بین میزان اعتماد بنیادی با اعتماد نهادی رابطه معنی داری وجود دارد.
- به نظر می رسد بین میزان اعتماد بنیادی با اعتماد بین شخصی رابطه معنی داری وجود دارد.

۷- تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

اعتماد اجتماعی

تعریف مفهومی: اعتماد عبارت است از عدم تردید نسبت به کنش های دیگران در آینده (زتومکا، ۱۳۸۷: ۵۰).

تعریف عملیاتی: اعتماد اجتماعی در چارچوب مفهومی این مطالعه از طریق حاصل جمع سه شکل اعتماد بنیادی، بین شخصی و نهادی مورد سنجش قرار گرفته است و پس از هم وزن سازی گویه های مربوط به سه شکل اعتماد نمره اعتماد اجتماعی محاسبه خواهد شد.

اعتماد بنیادی

تعریف مفهومی: این نوع از اعتماد را می توان داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق ها به گروه های قومی و قبیله ای تعریف کرد.

تعریف عملیاتی: منظور از این متغیر باور و خوش بینی به خود و دیگران و اطمینان به استمرار زندگی و روی ندادن حوادث یا برخوردهای نامناسب و غیرمنتظره است.

اعتماد بین شخصی

تعریف مفهومی: اعتماد بین شخصی خود را در روابط چهره به چهره نشان می دهد. این شکل از

ارتباط موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد و با کاستن از حالت دفاعی، باعث مؤثرتر شدن تعاملات می‌گردد. اعتماد بین شخصی، تعاملات میان دوستان، خویشاوندان، همسایگان، همکاران و همچنین اعتماد میان رییس و کارمندان، معلم و شاگرد و غیره را در بر می‌گیرد.

تعریف عملیاتی: منظور از اعتماد بین شخصی باور به امین بودن افراد و احساس صمیمیت و نزدیکی خاطر با آنان است.

اعتماد نهادی

تعریف مفهومی: افراد همچنین می‌توانند درباره میزان ارزش اعتماد نسبت به نظام‌های انتزاعی نظیر نهادها دارای باورهایی باشند. این نوع اعتماد به صورت تعمیم یافته فراتر از روابط چهره به چهره قرار می‌گیرد. از این فرایند می‌توان تحت عنوان سطح نهادی اعتماد نام برد. این همان چیزی است که گیدنز آن را ایده اعتماد به نظام‌های تخصصی می‌نامد.

تعریف عملیاتی: منظور از اعتماد نهادی، اعتقاد به کارآیی، ثبات و استمرار برنامه‌ریزی در آنها است. در چارچوب مفهومی این مطالعه اعتماد نهادی در سه شکل کلی مورد بررسی قرار گرفته شده است.

۸- روش تحقیق و نمونه تحقیق

روش تحقیق مطالعه به روش پیمایش و از نوع تبیینی است و ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات مصاحبه حضوری مبتنی بر پرسشنامه بوده است. در این تحقیق واحد تحلیل و واحد مشاهده، فرد می‌باشد. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد شد البته در نهایت با توجه به احتمال عدم پاسخگویی با ۴۰۲ نفر از جوانان شهر تهران مصاحبه حضوری مبتنی بر پرسشنامه صورت گرفته است. ابتدا مناطق ۲۲ گانه شهر تهران را بر اساس شاخص توسعه‌یافتگی به سه خوشه شمال، مرکز و جنوب تقسیم گردید. مناطق شمال (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷)، مناطق مرکز (۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵)، مناطق جنوب (۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲) می‌باشد. سپس با روش نمونه‌گیری احتمال ساده یک منطقه از شمال شهر تهران (منطقه سه)، یک منطقه از مرکز شهر تهران (منطقه هشت) و یک منطقه از جنوب شهر تهران (منطقه هفده) انتخاب شدند. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و نامتناسب با حجم هر طبقه تعداد نمونه هر منطقه مشخص گردیده است. در مرحله بعد به تصادف سه محله از محلات منطقه انتخاب و در داخل محله به تصادف بلوکی برای مصاحبه انتخاب گردید و سپس در داخل بلوک‌ها، پاسخگویان به روش نمونه‌گیری سیستماتیک با در نظر گرفتن ترکیب سنی و جنسی انتخاب و با آنان مصاحبه صورت گرفته است.

۹- اعتبار و روایی

روش‌های مختلفی برای بررسی روایی تحقیق وجود دارد. در پژوهش حاضر نیز قبل از تنظیم نهایی، به منظور اعتبارسنجی پرسشنامه از روش اعتبار صوری استفاده شده است، بدین گونه که پرسشنامه در اختیار افراد متخصص گذاشته شده و با تأسی از نظر آنان اعتبار پرسشنامه ارزیابی شده است. ولی تدوین نهایی پرسشنامه پس از انجام تست اولیه و سنجش روایی (Reliability) آن و نیز با اصلاح و حذف برخی گویه‌ها، ساخت نهایی پیدا کرده است. برای سنجش روایی سؤالات از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. جدول زیر نتایج تحلیل روایی متغیرها را نشان می‌دهد.

ردیف	متغیر	تعداد گویه و سؤالات	ضریب آلفای کرونباخ
۱	اعتماد بین شخصی	۱۰	۰.۸۵
۲	اعتماد نهادی	۹	۰.۸۷
۳	اعتماد بنیادی	۵	۰.۷۵

۱۰- یافته‌های تحقیق

یافته‌ها در سه بخش: الف) یافته‌های توصیفی، ب) تحلیل دو متغیره و آزمون فرضیه‌های تحقیق و ج) تحلیل چند متغیره و برازش مدل تحلیلی تنظیم شده‌اند.

۱-۱۰- یافته‌های توصیفی

الف- اعتماد بین شخصی

همان طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، اعتماد بین شخصی، ۳۵/۱ درصد پاسخگویان در حد کم و خیلی کم، ۳۷/۳ درصد متوسط، ۲۷/۶ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد می‌باشد. در خصوص گویه‌های مربوط به اعتماد بین شخصی بالاترین اعتماد مربوط به اعضای خانواده با میانگین ۴/۴۶ و خویشاوندان نزدیک با میانگین ۳/۶۶ بوده و همچنین پایین‌ترین اعتماد مربوط به افراد هم محله با میانگین ۲/۲۵ و هموطنان با میانگین ۲/۱۹ می‌باشد.

جدول شماره ۱ نتایج توصیف اعتماد بین شخصی

عامل	موارد	میزان اعتماد				
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
اعضای خانواده	اعضای خانواده	۲/۰	۴/۲	۴/۵	۲۴/۷	۶۴/۶
	خویشاوندان نزدیک	۹/۸	۶/۵	۱۷/۳	۴۱/۰	۲۵/۴
دیگران	خویشاوندان دور	۱۸/۵	۱۹/۸	۲۴/۸	۲۷/۸	۹/۰

۳/۲۷	۱۶/۸	۳۳/۰	۲۳/۰	۱۵/۳	۱۲/۰	دوستان	نزدیک
۲/۹۹	۵/۴	۲۸/۰	۳۶/۳	۲۰/۸	۹/۵	همکاران	
۲/۷۰	۶/۲	۲۵/۴	۲۲/۶	۲۴/۱	۲۱/۶	همسایگان	دیگران دور
۲/۲۵	۳/۵	۱۵/۵	۱۷/۵	۲۹/۴	۳۴/۲	افراد هم محله	
۲/۳۶	۴/۳	۱۹/۰	۱۹/۸	۲۲/۵	۳۴/۵	افراد هم قوم و هم مذهب	
۲/۳۴	۳/۰	۱۹/۳	۲۰/۸	۲۲/۳	۳۴/۶	همشهریان یا هم ولایتی‌ها	
۲/۱۹	۲/۵	۱۳/۵	۲۱/۸	۲۵/۵	۳۶/۸	هموطنان(هم میهنان)	
۲/۸۹	۴/۲	۲۳/۴	۳۷/۳	۲۷/۶	۷/۵	شاخص اعتماد بین شخصی	

ب - اعتماد نهادی

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، اعتماد نهادی، ۳۲/۱ درصد پاسخگویان در حد کم و خیلی کم، ۳۵/۳ درصد متوسط، ۳۲/۶ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد بوده و میانگین این شاخص ۲/۹۵ می‌باشد. در خصوص گویه‌های مربوط به اعتماد نهادی بالاترین اعتماد مربوط به انجمن‌های دفاع از محیط زیست، طرفداران هوای تمیز و حمایت از منابع طبیعی و حیوانات و گسترش فضای سبز با میانگین ۳/۳۶ و همچنین پایین‌ترین اعتماد نهادی به نهاد ریاست جمهوری، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها با میانگین ۲/۸۱ مربوط می‌باشد.

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی اعتماد نهادی

میانگین از ۱ تا ۵	میزان اعتماد					مورد	
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۲/۸۱	۷/۶	۲۵/۵	۲۵/۵	۲۳/۰	۱۸/۴	نهاد ریاست جمهوری، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها	بخش دولتی
۲/۸۲	۱۰/۳	۲۲/۶	۲۵/۹	۲۰/۹	۲۰/۴	قوه قضائیه، دادگاه‌ها و دادرها	
۲/۹۶	۱۰/۹	۲۵/۱	۲۹/۷	۱۷/۸	۱۶/۵	قوه مقننه، مجلس شورای اسلامی	
۳/۰۴	۷/۲	۳۱/۲	۳۰/۹	۱۹/۵	۱۱/۲	نهادهای سازمان‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بخش خصوصی	بخش خصوصی
۳/۰۷	۶/۳	۳۵/۰	۳۰/۰	۱۶/۹	۱۱/۸	انجمن‌ها، جمعیت‌ها و کانون‌های علمی، هنری، دینی، نظیر انجمن ریاضی، فیزیک، جامعه‌شناسی، انجمن اولیا و مربیان، انجمن‌ها و هیأت‌های مذهبی، انجمن‌های ورزشی و ...	بخش غیر دولتی یا وابسته به
۳/۲۷	۱۱/۵	۳۷/۸	۲۶/۱	۱۵/۵	۹/۰	مؤسسات خیریه، شوراها محله و شهر، انجمن‌های حمایت از بیماران، معلولین و معتادان	دولت

۲/۳۷	۶/۸	۱۶/۱	۲۰/۰	۲۱/۸	۳۵/۳	احزاب و گروه‌های سیاسی و جمعیت‌های دفاع از حقوق بشر و زندانیان سیاسی
۲/۸۶	۶/۳	۲۸/۲	۲۵/۹	۲۳/۹	۱۵/۶	مؤسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه و اصناف و اتحادیه‌ها
۳/۳۶	۱۶/۵	۳۴/۶	۲۷/۹	۱۰/۶	۱۰/۳	انجمن‌های دفاع از محیط زیست، طرفداران هوای تمیز و حمایت از منابع طبیعی و حیوانات و گسترش فضای سبز
۲/۹۵	۵/۰	۲۷/۶	۳۵/۳	۱۹/۴	۱۲/۷	شاخص اعتماد نهادی

ج - اعتماد بنیادی

نتایج تحقیق بیانگر آن است که، اعتماد بنیادی ۱۳/۲ درصد پاسخگویان در حد کم و خیلی کم، ۲۶/۹ درصد متوسط، ۵۹/۹ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد بوده و میانگین این شاخص ۳/۴۸ می‌باشد. در خصوص گویه‌های مربوط به اعتماد بنیادی بالاترین اعتماد مربوط به چقدر قابل اعتماد و امین بودن با میانگین ۳/۹۱ و همچنین پایین‌ترین اعتماد بنیادی به مؤثر بودن در بهبود وضع شهر و محل زندگی خود با میانگین ۳/۰۱ مربوط می‌باشد.

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی اعتماد بنیادی

میانگین از ۱ تا ۵	میزان اعتماد					سوالات
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۳/۴۲	۱۶/۵	۳۸/۴	۲۲/۱	۱۶/۵	۶/۵	احساس می‌کنید روی فعالیت‌هایی که بر زندگی روزمره شما تأثیر دارند، چقدر اثر گذار هستید؟
۳/۵۳	۲۳/۷	۳۶/۲	۱۸/۵	۱۳/۰	۸/۷	آیا شما احساس می‌کنید قدرت این را دارید که تصمیم‌های مهمی بگیرید که مسیر زندگیتان را عوض کند؟
۳/۰۱	۹/۰	۳۲/۸	۱۹/۹	۲۷/۱	۱۱/۲	شما فکر می‌کنید چقدر می‌توانید در بهبود وضع شهر و محل زندگی خود مؤثر باشید؟
۳/۵۷	۲۲/۸	۳۳/۸	۲۴/۸	۱۴/۸	۴/۰	به طور کلی، چقدر احساس خوشبختی می‌کنید؟ (چقدر خودتان را خوشبخت می‌دانید؟)
۳/۹۱	۲۹/۶	۴۰/۶	۲۱/۱	۸/۵	۰/۳	در مجموع فکر می‌کنید چقدر قابل اعتماد و امین هستید؟
۳/۴۸	۲۲/۶	۳۷/۳	۲۶/۹	۱۲/۲	۱/۰	شاخص اعتماد بنیادی

شاخص اعتماد بنیادی از حاصل جمع نظرات پاسخگویان درباره شاخص‌های اعتماد بنیادی، اعتماد

بین شخصی و اعتماد نهادی می‌باشد که به صورت مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج نشان دهنده آن است که اعتماد اجتماعی ۲۲/۳ درصد پاسخگویان در حد خیلی کم و کم، ۴۸ درصد بینابین و در مقابل اعتماد اجتماعی ۲۹/۶ درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد می‌باشد.

جدول شماره ۴ توزیع فراوانی اعتماد اجتماعی

نوع ارزیابی	فراوانی	درصد
خیلی کم	۹	۲/۲
کم	۸۱	۲۰/۱
بینابین	۱۹۳	۴۸/۰
زیاد	۱۱۲	۲۷/۹
خیلی زیاد	۷	۱/۷
جمع	۴۰۲	۱۰۰

۱۰-۲- آزمون فرضیات

۱- به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد بین شخصی با اعتماد نهادی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

اعتماد بین شخصی		متغیر وابسته متغیر مستقل
سطح معناداری	I (همبستگی پیرسون)	
۰/۰۰۰	۰/۳۴۵	اعتماد نهادی

باتوجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۹ درصد، سطح معناداری ($Sig=0/000$) می‌شود یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد و H_1 (فرض محقق) تأیید می‌گردد به بیان دیگر در این تحقیق بین دو متغیر میزان اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی ($r=0/345$)، شدت این رابطه در حد قوی بوده و جهت این رابطه مستقیم می‌باشد یعنی با افزایش میزان اعتماد بین شخصی میزان اعتماد نهادی آنها در این پژوهش افزایش می‌یابد.

۲- به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد بنیادی با اعتماد نهادی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

اعتماد بنیادی		متغیر وابسته متغیر مستقل
سطح معناداری	I (همبستگی پیرسون)	
۰/۰۰۰	۰/۳۵۷	اعتماد نهادی

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۹ درصد، سطح معناداری (Sig=۰/۰۰۰) می‌شود یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد و H_1 (فرض محقق) تأیید می‌گردد به بیان دیگر در این تحقیق بین دو متغیر میزان اعتماد بنیادی و اعتماد نهادی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی ($r=۰/۳۵۷$)، شدت این رابطه در حد قوی بوده و جهت این رابطه مستقیم می‌باشد یعنی با افزایش میزان اعتماد بنیادی میزان اعتماد نهادی آنها در این پژوهش افزایش می‌یابد.

۳- به نظر می‌رسد بین میزان اعتماد بنیادی با اعتماد بین شخصی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

اعتماد بنیادی		متغیر مستقل متغیر وابسته
سطح معناداری	r (همبستگی پیرسون)	
۰/۰۰۰	۰/۲۸۶	اعتماد بین شخصی

با توجه به نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فاصله اطمینان ۹۹ درصد، سطح معناداری (Sig=۰/۰۰۰) می‌شود یعنی با اطلاعات موجود H_0 رد و H_1 (فرض محقق) تأیید می‌گردد به بیان دیگر در این تحقیق بین دو متغیر میزان اعتماد بین شخصی و اعتماد بنیادی آنها رابطه معنی‌داری وجود دارد. با توجه به قدر مطلق ضریب همبستگی ($r=۰/۲۸۶$)، شدت این رابطه در حد قوی بوده و جهت این رابطه مستقیم می‌باشد یعنی با افزایش میزان اعتماد بین شخصی میزان اعتماد بنیادی آنها در این پژوهش افزایش می‌یابد.

۳-۱۰- تحلیل رگرسیون

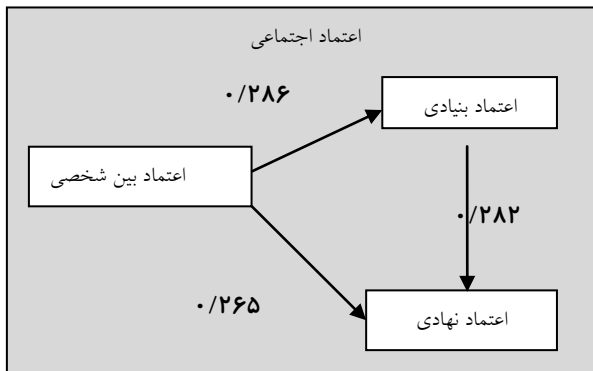
به منظور تشریح و تحلیل رگرسیون چند متغیره و دستیابی به مدل رگرسیونی، ابتدا باید متغیرهایی که قرار است وارد معادله رگرسیونی شوند، مشخص نمود. به همین جهت تمامی متغیرهای مستقل به روش stepwise انتخاب شده و در یک دستور رگرسیونی برای دستیابی به معادله ی نهایی، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

متغیر وابسته	متغیر مستقل	R	R2	آزمون F	Sig	B	Beta	آزمون T	Sig
اعتماد نهادی	اعتماد بنیادی	۰/۴۳۸	۰/۱۹۲	۴۷/۳۹۲	۰/۰۰۰	۰/۵۳۴	۰/۲۸۲	۵/۹۹۵	۰/۰۰۰
	اعتماد بین شخصی					۰/۲۵۷	۰/۲۶۵	۵/۶۳۷	۰/۰۰۰
اعتماد بنیادی	اعتماد بین شخصی	۰/۲۸۶	۰/۰۸۲	۳۵/۵۷۹	۰/۰۰۰	۰/۱۴۶	۰/۲۸۶	۵/۹۶۵	۰/۰۰۰

در مرحله اول، اعتماد نهادی به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای اعتماد بنیادی و اعتماد بین شخصی به عنوان متغیرهای مستقل وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی چند گانه $M.R = 0/438$ و ضریب تعیین، برابر با $R^2 = 0/192$ می‌باشد. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که اعتماد بین شخصی و اعتماد بنیادی ۱۹/۲ درصد واریانس اعتماد نهادی را تبیین می‌کند. با توجه به نتایج تحلیل واریانس مقدار $F = 47/392$ در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری ($sig = 0/000$) نشان می‌دهد مدل توانایی پیش بینی متغیر وابسته (اعتماد نهادی) را دارد.

با توجه به اینکه اعتماد بنیادی با بتای $0/282$ بیشترین تأثیر را بر اعتماد نهادی دارد. در مرحله بعد اعتماد بنیادی به عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیون می‌شود. همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ضریب تعیین، برابر با $R^2 = 0/082$ می‌باشد. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل اعتماد بین شخصی ۸/۲ درصد واریانس اعتماد بنیادی را تبیین می‌کند. با توجه به نتایج تحلیل واریانس مقدار $F = 35/579$ در فاصله اطمینان ۹۹ درصد سطح معناداری ($sig = 0/000$) نشان می‌دهد مدل توانایی پیش بینی متغیر وابسته (اعتماد نهادی) را دارد.

۱۰-۴- تحلیل مسیر



۱۱- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی یکی از مهمترین عوامل تأثیر گذار بر توسعه، نظم اجتماعی، کار آمدی اقتصادی و انسجام اجتماعی می‌باشد و به عنوان موتور محرکه جامعه عمل می‌کند. با اعتماد اجتماعی روابط اجتماعی روابط و همکاری‌های اجتماعی تسهیل پیدا کرده و توسعه در ابعاد گوناگون آن تحقق پیدا می‌کند.

به منظور سنجش اعتماد اجتماعی پاسخگویان، با پرسش‌های گوناگون سه بعد «اعتماد بین شخصی»، «اعتماد بنیادی» و «اعتماد نهادی» مورد بررسی قرار گرفته شد. در مجموع یافته‌ها نشان می‌دهد اعتماد اجتماعی تنها ۲۹/۶ درصد پاسخگویان جوان در حد زیاد و خیلی زیاد می‌باشد.

نتایج در خصوص اعتماد بین شخصی نشان می‌دهد بیشترین اعتماد به اعضای خانواده با میانگین ۴/۴۶ از ۵ و پس از آن خویشاوندان نزدیک با میانگین ۳/۶۶ از ۵ می‌باشد. به بیان دیگر بیشترین اعتماد به اعضای خانواده پس از آن به ترتیب دیگران نزدیک و دیگران دور بوده است. به عبارت کاربردی‌تر می‌توان از یافته‌های مربوط به عمق اعتماد به لایه‌های درونی و خصوصی در جامعه جوانان کلان شهر تهران به این نتیجه رسید که نهاد به مثابه ساختار حامی و همراه فرد در جامعه ما هنوز جایگاه کارکردی نیافته است. از طرف دیگر زیر ساخت‌های فرهنگی و آموزشی ما در ترویج و تعمیق روابط معنادار گروه‌سازی و نهاد سازی به نوعی ناتوان بوده است. در این شرایط جوانان از لحاظ ارجاع به شاخص‌های اجتماعی اعتماد تقریباً فاقد معیار هستند به همین دلیل بعد عاطفی اعتماد که همیشه مبتنی بر شناخت پیشینی است در جامعه جوانان ما قوی‌تر است اما باید توجه داشته باشیم این لایه از اعتماد به تنهای کافی نیست و حتی آسیب پذیر هم می‌باشد.

از این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که شعاع اعتماد هرچه از خانواده دور می‌شویم کاهش می‌یابد. این نتایج تأیید کننده نظریه زتومکا است که محدودترین شعاع‌های اعتماد را مربوط به اعتماد میان اعضای خانواده می‌داند که در بردارنده بیشترین میزان محبت و نزدیکی است سپس مربوط به اعتماد به افرادی می‌شود که به لحاظ شخصی آنها را می‌شناسیم، کسانی که ما آنها را به نام می‌شناسیم و با آنها تماس رودررو داریم به عنوان مثال می‌توان به دوستانمان، همسایگانمان، همکاران، شرکا و ... اعتماد در این موارد نیز نیازمند درجه قابل توجهی از صمیمیت و نزدیکی است (زتومکا، ۱۳۸۷: ۷۸).

نتایج نشان می‌دهد اعتماد بنیادی ۵۹/۹ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد بوده که نسبت به سایر ابعاد اعتماد از وضعیت بهتری برخوردار است همچنین جوانان پاسخ دهنده، مؤثر بودن خود را در بهبود وضع شهر و محل زندگی در حد کمتری ارزیابی نموده‌اند. این یافته‌ها نشان از آن دارد که جوانان به خود نگاه مثبت داشته اما قدرت تأثیرگذاری خود را در جامعه کم دانسته و این ناشی از اعتماد پایین جوانان به دیگران دور و نهادها و سازمان‌ها می‌باشد.

هرچه از سمت اعتماد بنیادی به سمت اعتماد نهادی حرکت کنیم دامنه اعتماد، از افرادی که کنشگر مستقیماً آنها را می‌شناسد فراتر رفته و افرادی را که کنشگر مستقیماً آنها را نمی‌شناسد را نیز در بر می‌گیرد. میزان اعتماد نهادی که اعتماد به مقوله‌های اجتماعی انتزاعی گسترده‌ای از قبیل نهادها و اصناف را در برمی‌گیرد، در سطح پایینی می‌باشد به گونه‌ای که ۶۷/۴ درصد از جوانان پاسخگو اظهار داشته‌اند که میزان

اعتماد نهادی‌شان در سطح خیلی کم، کم و بینابین می‌باشد. در خصوص سه بعد اعتماد نهادی، اعتماد به نهادهای حکومتی نسبت به سایر ابعاد (اعتماد به بخش خصوصی و نهادهای غیر دولتی و یا وابسته به دولت) از وضعیت نامناسبی قرار دارد اما این تفاوت زیاد نمی‌باشد. آنچه در طول سال‌ها باعث تضعیف کشور ما شده عدم اعتماد مردم به برخی مسؤولان حکومتی است زیرا جوانان معتقدند شماری از مسؤولان ارزش چندانی برای آنان قائل نیستند و اعمال این گروه از مسؤولان تلاش‌های مثبت سایر مسؤولان را تحت الشعاع قرار داده است.

برابر نظریه و کارهای پژوهشی و آنچه در داده‌های این تحقیق بدست آمد می‌توان گفت به هر میزان ساختارهای نهادی رسمی در برنامه ریزی‌ها، در پاسخگویی و انتخاب کارگزاران خود شفاف‌تر و کارآمدتر باشند میزان رشد و توسعه اعتماد نهادی بیشتر خواهد بود.

اعتماد اجتماعی ۲۹/۶ درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد بوده که حاصل جمع نظرات پاسخگویان درباره شاخص‌های اعتماد بنیادی، اعتماد بین شخصی و اعتماد نهادی می‌باشد. پایین بودن سطح اعتماد اجتماعی را می‌توان به عنوان یک مسأله اجتماعی مطرح کرد. در مورد پیامدهای اعتماد اجتماعی باید متذکر شد که بزرگ‌نمایی نقش اعتماد اجتماعی و نقش آن در حل معضلات به تحریف واقعیت منجر می‌شود لذا اعتماد اجتماعی در متن مناسبات اجتماعی دیگر و در کنار آن مورد بررسی قرار گیرد. با این وصف با توجه به وضعیت اعتماد اجتماعی جوانان در ایران و روند رو به فرسایش، برای بازگرداندن آن به جایگاه واقعی نیازمند پررنگ کردن اهمیت این مفهوم در تصمیمات اجرایی مسؤولان و توجه به جوانان در می‌باشد.

۱۲- ارائه پیشنهادات

- ۱- گسترش شبکه‌های اجتماعی و مشارکت جوانان در امور گوناگون و کاهش تصدیگری و تعامل همراه با راستگویی و صداقت مسؤولان از راهکارهای افزایش اعتماد اجتماعی می‌باشد.
- ۲- اعتماد پایین جوانان به نهادها یکی از معضلات و چالش‌هایی بوده که کشورهای در حال توسعه و یا در حال گذار همواره با آن مواجه می‌باشند. ناکارآمدی نهادها عاملی مهم در کاهش اعتماد جوانان به این نهادها را به دنبال خواهد داشت، هر چه جوانان نهادها را کارآمد ارزیابی نمایند، نسبت به این نهادها اعتماد بیشتر پیدا می‌کنند و لازمه آن شفافیت و پاسخگویی بودن نهادها و ایجاد فضای گفتگو بین مسؤولان و جوانان می‌باشد.

- ۳- در مواردی که تخلفاتی در درون سازمان‌ها و نهادها صورت گرفته و منجر به تنبیه متخلف گردیده است، در جراید درج شود به طوری که جوانان احساس کنند که به تخلف در درون سازمان‌ها و نهادها نیز بسیار جدی برخورد می‌شود. این شیوه به تدریج منجر به تغییر نگرش جوانان نسبت به ساختار نهادها و سازمان‌ها خواهد شد و اعتماد وی را افزایش می‌دهد.
- ۴- کمک دولت به نهادها و سازمان‌های غیر دولتی زیرا این نهادها بستر مناسبی برای افزایش همکاری متقابل جوانان و ایجاد تعهد فردی در آنها می‌گردد و زمینه را برای رشد و گسترش اعتماد اجتماعی مهیا می‌سازد.
- ۵- با توجه به اینکه کشور ما دوران گذار از سنت به مدرنیسم را طی می‌کند و این عامل باعث شکاف در سطح جامعه شده و مسائل اجتماعی متفاوتی از جمله کاهش اعتماد را به دنبال داشته است. برای فائق آمدن بر این معضل باید بین سنت و مدرنیسم پلی زد به بیان دیگر به علت افول نهادهای سنتی باید منابع و نهادهای جدیدی همچون اصناف، احزاب، انجمن‌های داوطلبانه را جایگزین نمود.
- ۶- یکی از عوامل مهم در کاهش اعتماد نهادی خلف وعده مسئولان جامعه می‌باشد بر این اساس توصیه می‌گردد که مسئولان و مدیران حتی المقدر از ارایه وعده‌هایی تحقق ناپذیر به جوانان خوداری نمایند و در صورت وعده دادن نیز کوشش نمایند به وعده خود عمل کرده تا از این طریق باعث افزایش اعتماد نهادی و به طبع آن اعتماد اجتماعی در بین نسل جوان گردند.

فهرست منابع

۱. امیر کافی، مهدی (۱۳۷۴). اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، مقطع: کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
۳. باربارا، میتزال (۱۳۸۰). اعتماد در جوامع مدرن، ترجمه ناصرالدین غراب، نمایه پژوهش، شماره ۱۸، سال پنجم.
۴. چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
۵. حیدرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر آن (مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله استان مازندران) جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال اول، پیش شماره اول.
۶. زاهدی، محمد جواد و سجاد اجاقلو (۱۳۸۴). بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۴.

۷. زتومکا، پیوتر (۱۳۸۷). اعتماد یک نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه غلامرضا غفاری، چاپ دوم، تهران: شیرازه.
۸. عنایت، حلیمه، مجید موحد و اله‌رحم حیدری (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره پیاپی ۴۵، شماره اول.
۹. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم، غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
۱۰. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه‌های اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). پایان قرن بیستم بود: گفتگو با آنتونی گیدنز، ترجمه نیکو سرخوش، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۴۸-۴۷، شهریور و مهر.
۱۲. گیدنز، آنتونی الف (۱۳۸۸). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
۱۳. گیدنز، آنتونی ب (۱۳۸۸). تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

14. Fukuyama, F. (1995). *Trust: The Social Virtues and Creation of Prosperity*. New York: Free Press.
15. Miszalska, A (1996). *Reakcje społeczne na przemiany ustrojowe "Social reactions to regime change"*. Lodz: Lodz University Press.
16. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: the collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.